



این فضاهاى مجازى نمى‌توانند جایگزین محافل ادبى شوند و انجمن‌ها و محافل ادبى هم چنان پر رونق است اگر چه به نظر مى‌رسد در گذشته محافل کیفى‌تر از امروز بود. به گفته دکتر میرجلال‌الدین كزازی\* در دهه ۴۰ شمار پاتوق‌هاى ادبى کمتر بود، اما این محافل با نظم و تأثیر گذارى بیشتری برگزار مى‌شد. شمار پاتوق‌هاى ادبى تا آنجا که دورادور مى‌دانم بیشتر شده‌اند، اما شایستگی و بایستگی محافل قبل را ندارند. دهه ۴۰ اوج بزم‌هاى ادبى بود. پاتوق‌هاى آن دوره با برنامه ریزى برگزار مى‌شد، اما همایش‌هاى که این روزها در باره شعر و شاعرى است، گاه‌گاه و جسته‌گرفته برگزار مى‌شود و برپایى آن‌ها تابع یک دوره یا زمان خاصى نیست. کمتر به محافل و بزم‌هاى ادبى مى‌روم و به گمانم شاعر واقعى برکنار از چنین بزم‌هاى است.

#### مشهد و انجمن‌هاى ادبى

از جمله شهرهاى که انجمن‌هاى ادبى دیرپایى داشته‌دارد مشهد است. به جز انجمن فرخ و قهرمان که به تفصیل در مطلب استادافضلى اشاره مى‌شود در این قسمت اشاره‌ای گذرامى کنیم به برخى از دیگر انجمن‌ها:

#### انجمن نگارنده



استاد علی باقرزاده (بقا) شاعر پیشکسوت مشهد مى‌نویسد: «از سال ۲۶ یا ۲۷ انجمنى ادبى در آغاز به صورت چرخشى پدید آمد و سپس به گونه ثابت در منزل سرگرد عبدالعلی نگارنده

استقرار یافت که آن را «انجمن ادبى فردوسى» نام گذاشته بودند. در منزل سرگرد نگارنده، جلسات هفتگی شنبه شب‌ها تشکیل مى‌شده و تا پایان عمر آن روان شاد ادامه یافته است. در آن انجمن، استادان دانشکده ادبیات که تازه تاسیس شده بوده‌یعنى: دکتر فیاض، دکتر احمدعلی رجائى، دکتر غلامحسین یوسفی، دکتر مجتهدزاده و (احمد) خراسانى شرکت مى‌کرده‌اند. علی باقرزاده که خود در انجمن نگارنده شرکت مى‌کرده، در باره این انجمن نوشته است: برخى از روحانیان اهل ذوق و طلاب جوان و فاضل آن ایام همچون برادران محترم خامنه‌ای (سیدمحمد و سیدعلی مقام معظم

ریزى دقیق‌تر فرصت برای نقد هم فراهم است اما شب‌هاى شعر و جشنواره‌ها از این امکان برخوردار نیستند. در جشنواره‌ها به دلیل مناسبتى بودن عمدتاً به خواندن شعر اکتفا مى‌شود ضمن اینکه رقابتى بودن تنها یک فرصت مسابقه‌ای را ایجاد مى‌کند که معمولاً با اما و اگرهاى هم همراه است. جشنواره‌ها عمدتاً بارى به هر جهتى برگزار مى‌شود و بیشتر کارکرد تبلیغاتی دارد از این رو استقبال از آنها محدود به افراد مشخصى مى‌شود و نمى‌تواند برآیند عمومى از شعر باشد. گرچه نمى‌توان انکار کرد که جشنواره‌ها در جهت دهى فضای شعرى تأثیر نیستند و این البته مى‌تواند هم مزایایى داشته باشد هم آسیب‌هایی بر آن مترتب است. اما شب‌هاى شعر فضای متفاوت‌تری نسبت به جشنواره‌ها دارد. اولاً شب‌هاى شعر هم عموماً شرکت‌کنندگان مشخصى دارد و به دلیل تعدد شب‌هاى شعر توسط نهادها و گردانندگان مختلف شاهد حضور همه شاعران در این جلسه‌ها نیستیم دوم اینکه برگزاری پرشمار این شب‌هاى شعر و شعرهاى تکرارى و شاعران تکرارى تا حدودى از کیفیت آن کاسته است. از دیگر موقعیت‌هایی که به مدد فناوری برای شعر ایجاد شده است مى‌توان به فضای سایبرى و مجازى اشاره کرد که گروه‌هاى شعرى ایجاد مى‌کند.

این گروه‌ها معمولاً از سلیقه‌هاى یکسان و یا نزدیک به هم برخوردارند از این رو مى‌تواند حکم محافل شعرى را داشته باشد چرا که گاه انتقاد و نقد و نظر‌هایی هم در آن دیده مى‌شود اما به چند دلیل قابل اعتنا نیستند. اول اینکه بسیاری از این گروه‌ها دوام ندارند و یا افراد آن مستمر حضور ندارند و این رفت و آمد‌هاى مداوم به انسجام گروه صدمه مى‌زند و گاه ناآشنا بودن برخى اعضاى گروه محفلى نا همگون ایجاد مى‌کند. با این مرور به این نتیجه مى‌رسیم که این جلسه‌ها چندان اصولی و علمى شکل نگرفته‌اند که با هر تغییرى، شدت و ضعف مى‌یابند. علیرضا بهرامى - شاعر - تعبیر جالبی دارد و در جایی مى‌نویسد: «با گذشت زمان مشخص شد که همان طور که در زمانى خیلی‌ها به طرف آبار تمان نشینی هجوم بردند و هم اکنون دوباره احساس نیاز به خانه‌هاى ویلاىى بالا گرفته است، فعالیت‌هاى پاتوق‌هاى ادبى نیز به شکل اصلی خود بازگشته است. در سال‌هاى گذشته نشست‌هاى ادبى روبه تعطیلی رفته بود، ولی این محافل رفته رفته مجدداً رونق پیدا کرده است».

با این حال هم چنان که هیچ چیز نمى‌تواند جای کتاب را بگیرد

مجالس ادبى جز آنچه در دربارها بود گاه در منازل شاعران هم شکل مى‌گرفت مثل مجلسى که امیرعلی شیرنوایی داشت یا جامى روزهاى دوشنبه و جمعه در منزل خود برپا مى‌کرد. گاه برخى از اختلافات بین شاعران از همین جلسات ریشه مى‌گیرد. البته بعدها نقطه نظرانى هم در این جلسات مطرح مى‌شد که راه را برای نقد هموار مى‌کرد. از این روست که مجتبى مینوى در مقدمه کتاب «گزارش کلیله و دمنه» در این باره مى‌نویسد: «شعر و ادب و فضلا، انجمن‌ها در منازل بزرگان و خانه‌هاى یکدیگر داشتند و با هم در آن محافل مذاکره و مناظره و مباحثه مى‌کردند و از یکدیگر علم و ادب فرا مى‌گرفتند و دقایق علوم و لغت و هنر را مورد مذاکره قرار مى‌دادند».

از قرن دهم تا نیمه دوم قرن دوازدهم، نهاد بازار با مرکزیت قهوه‌خانه‌ها، محل تجمع اهل ادب شد و دربار و خانقاه و مدرسه مرکزیت ادبى خود را از دست دادند. مصادف همین روزگار، در خارج از مرزهاى سیاسى ایران و در دیگر قلمروهاى زبان و ادب پارسی و به ویژه در هند، دربار هنوز يك مرکز ادبى عمده برای تجمع اهل ذوق بود.

در نیمه دوم قرن دوازدهم و با جنبش اهل مدرسه، ادب دوباره به محافل مدرسى بازگشت و محافل ادبى اهل علم رونق گرفت. بعد از روی کار آمدن قاجاریه، نهاد دربار نیز دوباره به مرکزى ادبى تبدیل گردید و محل تجمع اهل ادب شد. در این روزگار، محافل ادبى بیشتر در سه شهر اصفهان، شیراز و تهران برگزار مى‌شد. از روزگار مشروطه به بعد، محافل ادبى در قالب تشکّل‌هاى جدید شکل گرفتند و به فعالیت پرداختند. این انجمن‌ها دارای مرام نامه و نظام نامه‌هایی بودند که هدف و روش کار آنان را تعیین مى‌کرد. علاوه بر این نهادها، مساجد، تکایا، میادین شهرها، مغازه‌ها و خانه‌هاى اهل ذوق و... نیز از مکان‌هاى عمده تشکیل محافل ادبى بودند. - آکادمى‌هاى

برای شاعران، مجله شعر شماره ۶۸

#### انجمن، شب شعر، جشنواره و فضای مجازى

در کنار محافل و انجمن‌هاى ادبى که طى این سال‌ها در گوشه و کنار این مرزوبوم برگزار مى‌شود، شب‌هاى شعر و گاه همایش‌ها و جشنواره‌هاى شعر هم رونقى دارد. حال این پرسش مطرح است که آیا این شب‌هاى شعر و همایش‌ها و جشنواره‌ها هم همان کارکرد انجمن‌ها را دارند یا نه؟ آنچه مسلم است اینکه در جلسات ادبى مستمر به دلیل حضور افراد مشخص و برنامه

آقایان سید جلال آشتیانی، محمدرضا حکیمی، شفیعی کدکنی، دکتر قاسم رسا، غلامرضا قدسی و محمد قهرمان از جمله کسانی بودند که به انجمن نگارنده رفت و آمد می کردند

